در صفحه ۱۱ بخوانید...

گزار شی از حال و هوای این روزهای بیمارستان شريعتي تهران

دست در دست هم مقابله باسرطان

باز تابهای اجتماعی یک کالای ضروری

مىشدشكمىسير به يكلقمهنانشد



اجرابراي اكثريت واقناع براي اقليت

مومی در مورد یک موضوع مفروض، چیست.

اگرچـه درک و فهمیــنن خواسـت عمومی در این زمان، دیگر کار مشــکلی نیسـت و بهراحتی می توان به خواسـته عموم مردم پی بــرد؛ اما باید

حواسمان باشد که یک نفر با یک حناج یا حزب

جانزنــد بُهطور مثالُ دُر موضــوع آزادی، اگر یک

نفر اینچنین سُنخن بگوید که «مردم ایران فلان خواستهای دارند» یا «ملت ایسران مخالف فلان

موضوع هســـتنده باید با دقت به این فر دیا گروه

مجلس و دولت انجام میشــود؛ اما تعیین این که

است. برای بعضی از مسائل خیلی به افکار عمومی

یا طرحها یا قوانینی به مطبوعات و رسانه ها داده

مىشــود وبازخورد آنها رااز جانب افكار عمومى و

میشوده برزخورد ایه راز جانب مدر ممومی ر مردم، بررسی و تحلیل می کننده و درنهایت برای تنظیمتهایی قوانین باید کارشناسان همان حوزه، با اطلاعاتی که در دست دارند، مزایا و معایب یک قانون رادر نظر بگیرند و در تنظیم قانون، با توجه به

ری ر کر کرد. فواسته عمومی، آنهار الحاظ کنند. ۴ - نکته دیگری که پیشـــتر نیز گفته شد،

است که فهم و درک خواسته عمومی، کار بسیار سادهای است. مدلول این سخن، قول و قرارهایی

است که کاندیداهای ریاستجمهوری در زمان

نامزدی شان به مردم می دهند از طرفی این به معنی توجه بـه افکار عمومی است و از طرف

ظرسنجیهایی صورت می گیر

ه چه میزان به مردم توجه می شود، ب

خاُص، خواســته خود را به جاّی خوِاسته



۱ – استاس نظام ماریه دلیل این کیه یک نظام جمهوری است و مبتنی بر پارلمان است، بر رأی مردمــی و افکار عمومی است. در همه نظامهای هـوری (Republic) باید دید که عامه مردم سـتار چه چیزی هسـتند و رأی و نظر آنها، چگونه ارضا یا اقناع می شود. اما برای تنظیم قوانین وجزییات آنها باید داز متخصصان مرتبط، کمک گرفته شود. اساس قانون گذاری و تصمیم گیری، بايدافكار عُمومي ورأي جمهور مردم باشد.اگرچه نمی توان برای هر تصمیمی سَــراغ تک تک افراد مِي رَقْ بُرِي . جامعه رفتُ و نظرُ آنها را پرسـيد؛ اما متولى افكار بست رست و سرجه رو پرستید. عمومی، احزاب هستند. مردم با فعالیت در یک حزب، تبلیغ برای آن، رأی دادن، حضور و فعالیت ــازى، روزنامەھا، نظر، در فضای مجازی، روزنامه ها، نظر سنجی ها و آمار گیری و فعالیتهای مشابه، خواسته های خود راازُ طریقاً حزاب،به گوش حاکمیتُ وبهطور اخصُ به مجلس – کـه وظیفه قانون گــناری را به عهده دارد - و دولت - که مجری قانون است - می رسانند. در همــُه پرســیها، اعــم از انتخابــات مجلس و ریاستجمهوری نیز می توان به خواسته مردم ریاست به پررت پر پی رق. پی برد. لذا، اصل بر این است که افکار عمومی، در " است که ماهانا میم گیریها و تصمیمسازیهای کشور لح شود؛ اما همان طور كه گفته شد، تنظيم قرار دادها وقوانین باید توسط کارشناسان مرتبط، صورت

" - موضوع مهمی که باید مدنظر قرار گیرد، این است که باید مطمئن شویم از این که خواست

دیگر، به این معنااست که آنها از خواسته مردم و خصوصا اکثریت مــردم، اطلاع دارنـــد. زمانی که یکی اُز کاندیداها، به خاطر حرفهایی که زده وقول و قرارهایی که گذاشته است، برای پست ر رن ر رز دیی د دست. سست برای پست ریاستجمهوری از سسوی مردم انتخاب می شود، کرده است؛ زمانی که رئیس جمهوری شد، با توجه به ُسهم عمومی کسب کرده،باید به اکثریت وفادار بماند و در این صورت اســت که مردم و رأی آنها را سُم گیری ُها شریک و موثر ؑ می داند اما اگر به قــول و قرارهایش به مــردم، وقعی ننهد، یعنی خواسته مردم بر ایش اهمیتی ندارد. لذا با نگاهی ر ۱/۷ میلی که به ۲ رئیس جمهوری منتخب و قول هایی که به مردم داده آند و حرف هایی کسه به آنها عمل کرده یا نُکردهاند، می توانید ارزیابی کلی ای از این قضیه بهدست آورید. در مورد مجلس و نمایندههای آن نیز به همیُن نحو میُتوان بــه ارزیابی اجمالی ای رســید. اما بهطور دقیق و کلی نمیتوان حکم به رسید. اما به طور دهیه و کلی نمی بوان حکم به این داد که افسکار عمومی در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های کشور، تا امروز تأثیر داشته یا نداشته است. چراکه هر طرف از این دوگانه را

ر---۵-درک و فهم خواسته عمومی، در این موضع، اساسـا موضوعیت چندانی ندارد؛ بلکـه توجه و لحاظ کردن آن خواســتها در تصمیم گیریها و تصمیم سازی هااست که موضوع اصلی است. ۶-رأی اکثریت، نافذ است و دیدگاه آنها، انتخاب می شود. اما رأی و خواست اقلیت را در جامعه مى تــوان ناديده گرفت؛ خصوصا اگــر آن اقليت،

متخصص و آگاه باشد لذا برای این که نارضایتی

يذيريد يارد كنيد، به مسائل ومشكلاتي برخواهيد

میان اقلیت به وجود نیاید، زمانی که نمی توانیم خواســته اقلیــت را در تصمیم گیریهــا دخالت بدهیم،باید آنها را اقناع کنیم می توانیم این پروسه رااز طریق رادیو، تلویزیون، رسانه هاو مجامع علمی ۷- نباید رأی و خواسته اقلیت، را با حقوق آنها،

۱- ببیدر زی و خوسه فلیسه را به خطون اینه. خلط کرد حقوق هیچ گروش ایس از کتاب بر آن و اقلیت را نمی توان نادیسده گرفت یا حتی به رأی گذاشت آموزش، سواد خوراک و پوشاک حقوق آنسانی هرفردی است نمی توان باز آن گیری چنین حقوقی را به کسی اقاضه بازا کسی سلب کرد این دخوق بر الباس کراست خاتی است و همه به یکسان از آن برخور دار هستند. ۸- بسـيار مشـخص اسـ مىخواهند؛ البته بايد به طرف ســلبى اين گزاره می توجه کرد؛ یعنی آنچه که مردم نمیخواهد معمولا خواست عمومي واكثريت قاطع جامعه، خواست منطقی و در ســتی است. اکثریت جامعه به ندرت دچار خطا میشــود. اگــر حکومتها و

. دولتُهادر هرجای دنیاخواستار موفقیت هستند، بایداعتمادمردمشان راجلب کنند.این اعتمادجز از طریق دخیل کردن آنها در تصمیم گیری های کشور میسر نخواهد شد در اتاق در بسته نمی توان تصمیم گیری کرد عدهای بدون توجه به افکار عمومی و عواطف و احساسات و خواستههای اکثریت مردم، می گویند «باید اینطور بشود». اگر سریت مورسه می بویسه بین مسور بسود. قانونی که وضع می شهود، برخلاف خواسته مرم باشد، امتنها اعتماده مردم به دولتهاو حاکمیت کم می شود، بلکه ممکن است مردم در موقعیتهایی کهبتوانند، از اجرای آن قوانین سر باززنند.

بادداشت

۴- بــه دموکر اســـی معتقد ه

عبارت دیگر، تَفکُر خـود را بالاتر و موجه تر

از رأی و تفکر فرزندان نمی دانند. یعنی برای ر باور دارند کـه تفکر و نظر یک جمع، از تفکر یک یا دو فرد، کامل تـر و عقلایی تر خواهد

۵- به بهانه مصلحتهای سیاختگی که دلایل آن را تنها خودشان میدانند و حتی

لزومی به توضیح آنها برای فرزندانشان نمی بینند، و براساس مصالح شخصی، نظر

دیگران را نادیده نمی گیرند. یعنی حتی اگر مصلحتی را (نه سلیقه

" می مدنظر دارند که نتیجه آن خلاف خواست فرزندان است، آن مصالح

ر أی گیسری می گذارند و درنهایست اگسر

ر کی یہ رہے گی اکثریت اعضای خانــوادہ موافق بودند، فرد

یا افراد اقلیت را قانع م کنن

بهطور مثال اگر قرار

باشد مُسَافرتي بروندُ وُ

بر سر مقصد اختلاف نظر

وجود دارد؛ همگی دلیل

می آورند و مقصدی را

برمی گزیننــُد کــه اولُ،

تا جــای امــکان به همه

خوش بگــذرد و اگر این امـُكان وجود ندا

این همه آن چیزی بود که بهنظر میرس

برای اشتراک نظر و اعمال رأی و نظر فرزندان از سوی پدر و مادر لازم است. نکته

بســـيار مهـــی است که ميان همه شروط فوق، حرف عطف

يا اوا وجــود دارد. يعنني همه اين تسرايط

در کنار هم موجب می شود که به این مهم

يار مهمي كه بايد به أن توجه كرد، اين

را بــه همُراه دلايلشُــان هم به اشــ

توهماكثريت



شریک کردن مردم و افکار عمومی یک جامعــه در تصمیم گیریهای یک کشــور، اساســی ترین ســنگ محک برای سنجش وجود یا نبسود دمو کراسسی و رعایت حقوق شهروندی مدرن در آن جامعه است. نگارنده قصد ندارد در این یادداشت در بابُ اثبات چنین شراکتی در جامعه ایران سخنی به میان آورد.اما آنچه مطمع نظر است، تشریح شرایطی است که می توان با نظر به آن شرایط، به نتیجه ناظر به واقعیت

برای این منظور مے توانیم کشور را به یک جامعه رابه یک خانواده، حاکمیت رابه پدر

ومادر ومردم رابه فرزندان شريککردنمردمو حــالا مىتوانيـــم خيلى سریک بردی افکار عمومی یک جامعه در تصمیم گیری های یک کشور، اساسی ترین سنگ محک سادہتر بپرســيم که چه میشــود - یــا چــه باید بشــود - که پدر و مادر در براى سنجش وجود يانبود تصمیم گیری هایشان دموكراسى ورعايت حقوق برای خانه، نظر و خواست

شهروندی مدرن در آن ر زندان را نیسز در نظر حامعهاست بگیرند؟ . برای این کــه والدین، به کستی بند نگذرد و دوم، دلایسل منطقی خود را بسرای مخالفت رأى و نظـر فرزنـدان را ـد، چند حالت متصور اس بیان می کننــد (دلایلی مثل بالا بودن هزینه مسافرت برای یک مقصد خاص؛ یا خطرناک بودن مسير؛ يا ...)

پدر و مادر

۱ - فرزندانشان را دوست دارند «و» ٢- با فُرزندانشانُ صادق هستند و اعتماد

در حالت اول، یعنی حالتی که پدر و مادر،

٣- فرزندان را بهعنوان افراد بالغ رسيد. مى پذيرند او ا

برای شق دیگر، یعنی بی توجهی به نظر آنها، چند حالت دیگر. فرض ما بر این است که فرزندان خانواده، دارای بلوغ فکری هستند. فرزنَــدان را در تصمیم گیریهــای خُانــه ُو خانواده دخیل کنند:

ر صر دخیل کنن

متقابل ميان هردو طرف وجود دارد وه

افكار عمومي ومسأله اعتماد



اساســا ســازنده افكار عمومي در جوامع، وسايل ارتباط جمعي ورسانهها هستند واصلي ترين كانالي ر کی رز که می تواند به شــکل دهی افکار عمومی کمک کند، تند. در کشــور ما هم مثل بسیاری از کشورهای دیگر افکار عمومی تحت تأثير تحولات سياسي اجتماعي جامعه قرار مي گيرنداين موضوع اصلا عجيب نيست و خيلي هم طبیعی است. با این حال در ایران همان طور که

میدانید، قـدرت و انحصار اطلاع رسـانی در اختیار مراکز خاصی است واین مراکز به جریانات و تفکرهای دیگر اجازه نمی دهند تا از رسانه هاکه اغلب دولتی و حکومتی هستند، استفاده کنند رسانه ها همه د دستُ نهادهاهستندوافكار عمومى بهُ معناى اكثريتُ جامع جامعه به جزیک حاشیه مختصر و نازک جای دیگری بسرای بروز ندارند. قدرت هم در این میان . رب. رب بررر ربی میان دست رسانه است و هر مرجعی، چه فرد یا گروه و حزب خود را نماینده افکار عمومی می داند و از زبان خن می گوید. امردم می خواهند، خواست مردم این است، مردم می گویند، مردم دوست دارند، مردم دوست ندارندو…؛ حالا این که این مردم دقیقا

چند درصداز كل جامعه است واصلامي توان آن را مسأله اصلا پیچیده نیست. این که افکار عمومی

اکثریت یا دســت کم نمایندهای از کل دانست، بحث ریت. دیگری است. جملات، عبارتها و گزار مها از طرف مردمُ عنوان می شودوبه عنوانُ خواستُ وُمطالبهُ مردم عنوان می شود اما به جرأت می توان گفت این مردمی که در رسانهٔ های دولتی از آنها حرف زده می شُـود، حداکثر ۵ تا ۱۰ درصد جامعه را تشـکیل می دهند. مردم وقُتی جایی بُرای حــرفزُدن و حضّور فعال در مسائل كشور نداشته باشند انتيجه اش مى شودهمان پدیدهای که در مرگ مرتضی پاشایی شاهدش بودیم: م دممتاثر شدند،آمدندو گفتند که ما حضور داریم

کشور ما اغلب دچار نوسان است و متشنج، بهخاطر همینُ کمبود کاناُل هـای ارتباطی میـان مردم و مسئولان است.مردم راهی در اختیار ندارند که آنچه راكهمىخواهندبيان كنند؛درنتيجه گاهىچيزهاى ديگرى گفته مىشـود كه حرف مردم نيسـت و به آنها اُجازه داده نمی شوُد بگویند چه می خواهند، چه نمی خواهند؛ چه باوری دارند و چهچیزی برایشان اهمیت دارد. مراکزی وجود ندارد که مردم بتوانند ابراز عقیده کنند.این مساله، هم به فقدان نهادها و فعالیتهای مدنی برمی گردد و هم به این که در ایران رسانهغیردولتیچندانیوجودندارد. اُدامەدر صفحه ۱۰